



روایت فعال فرهنگی مسجد الجواد(ع) از دوران مبارزه

انقلابی که تکرار نمی‌شود

مسجد باید پایگاه اجتماعی و مردمی نیز باشد

این فعال فرهنگی مسجد جواد معتقد است که به غیر از سخنرانی‌های خوب آیت‌ا... سیدان، رویکرد مردمی و رفتار خوب ایشان با مردم هم مؤلفه‌ای بود که از سراسر شهر مردم را جذب این مسجد می‌کرد. «حاج آقاسیدان از همان ابتدا تا زمانی که امام جماعت مسجد بودند، رسمشان بر این بود که قبل از نماز و بعد از نماز جواب‌گوی مسائل شرعی و اجتماعی مردم بودند و معمولاً بعد از نماز عشا سخنرانی و تفسیر داشتند و خلاصه چون مسجد به لحاظ محتوایی پُر بار بود، حضور مردم در صفوف نماز و برنامه‌های مسجد پُر رنگ بود. به یاد دارم که گاهی مردم حتی اختلافات میان خود را بعد از نماز به طور خصوصی به حاج آقامی گفتند و ایشان مسائل آن‌ها را حل می‌کردند. این موضوع را هم می‌توان نقطه قوتی برای مسجد دانست؛ این که مسجد بتواند بابتدیه مردم چنان رابطه‌ای برقرار کند که علاوه بر مسائل عبادی، آموزشی و سیاسی، مسائل این چنینی نیز در آن حل و فصل شود.

**حاج آقا تدین
قبل از انقلاب
مدرسه‌ای دینی
ویژه دختران
ساخت که تنها
مدرسه دینی
در مشهد بود**

نماز جماعت به امامت شهید تدین

ابتدا از او درباره علل موفقیت و آن فعالیت‌های پرشور مسجد جواد می‌پرسیم که در پاسخ می‌گوید: در زمان انقلاب در شهر مشهد شاید ۳ یا ۴ مسجد بود که فضایی پُرشور و بسیار فعال داشت. یکی از این مساجد، مسجد الجواد(ع) بود که حتی نسبت به آن مساجد قوی‌تر عمل می‌کرد. یکی از دلایل قوت مسجد، حضور حاج آقاسیدان به عنوان امام جماعت مسجد بود. در واقع می‌توان گفت هر مسجدی اگر بخواهد موفق عمل کند، یک رکن اصلی آن امام جماعتش است. امام جماعت باید چند شاخصه داشته باشد: باسواد باشد، دلسوز باشد، پایگاه اجتماعی داشته باشد و مردم او را بشناسند، نحوه برقراری ارتباط صحیح با افراد را بداند. همه این موارد نقش مهمی در ایجاد یک پایگاه فعال اجتماعی - مذهبی دارد که با وجود چنین صفاتی در حاج آقاسیدان این امر در مسجد الجواد(ع) کاملاً بارز بود.

شوشتری چگونگی امام جماعت شدن حاج آقاسیدان در مسجد جواد را این گونه بازگویی کند: آقای تدین، حاج آقاسیدان را از قبل می‌شناختم. پس از اتمام ساخت مسجد به ملاقات حاج آقاسیدان رفتم و به ایشان گفتند که مسجد ما، امام جماعت ندارد و ما متفق القول به این نتیجه رسیدیم که شما امام جماعت مسجد ما شوید. حاج آقاسیدان در آن زمان از روحانیون

شناخته شده مشهد بودند. در آن زمان روحانیون منبری‌ای همچون آقای سیدان که منبرهای بسیار پرباری داشتند و معروف بودند را برای مراسم‌های مختلف به تهران دعوت می‌کردند و به همین خاطر حاج آقا به آقای تدین گفتند شما شرایط من را می‌دانید، من نمی‌توانم قبول کنم چون امام جماعت باید هر روز جهت اقامه نماز در مسجد حاضر باشد و این امکان برای من نیست. آقای تدین بارها به سراغ حاج آقا رفتند و هر بار ایشان جوابشان منفی بود. یک روز آقای تدین به ملاقات حاج آقا سیدان رفتند و باردیگر خواسته خود را مطرح کردند و حاج آقا باز هم پاسخ منفی دادند. آقای تدین عبا و عمامه خود را در آوردند و نشستند و به حاج آقا گفتند من از اینجانی روم تا شما جواب مثبت بدهید. حاج آقاسیدان تأملی کردند و گفتند قبول می‌کنم و چنین شد که فردا سرشناسی همچون حاج آقای سیدان، امام جماعت مسجد الجواد(ع) شدند.



آخوندی که عبا نمی‌پوشید

بحث ارتباط با مردم که می‌شود چشمانش گشاد می‌شود و دوباره اسم شهید تدین را به زبان می‌آورد. می‌گوید: از دیگر شخصیت‌های مؤثر در مسجد الجواد(ع)، حاج آقا تدین بود. آقای تدین مردی تقریباً پنجاه ساله بود که با وجود روحانی بودن عمامه قهوه‌ای رنگ بر سر داشت و عبا نمی‌پوشید. شخصیتی استثنایی و بی‌نظیر بود؛ بسیار خوش مشرب، متواضع و پُر انرژی. قبل از انقلاب مدارس به گونه‌ای بود که دختران باید بی‌حجاب در آن‌ها حاضر می‌شدند. حاج آقا تدین قبل از انقلاب مدرسه‌ای دینی ویژه دختران ساخت که در واقع تنها مدرسه دینی در مشهد بود که بسیاری از خانواده‌های سرشناس و متدین ساکن در مشهد دخترانشان را به آنجا می‌فرستادند. بسیاری از معلمان و مدیران آموزش و پرورش او را می‌شناختند و

فاطمی نسب - همه شما بهتر از من این ترانه‌های حماسی را از حفظ هستید؛ «خمینی ای امام، خمینی ای امام...»، «بگذرد این روزگار تلخ‌تر از زهر...»، «فردا که بهار آید ازورها هستیم، آزادورها هستیم» و ده‌ها ترانه حماسی دیگر که در لایه تاریک ناخودآگاهمان رخنه کرده است.

دهه فجر در ذهن من و بیشتر متولدین دهه ۶۰ به بعد، بیش از آنکه جریانی سیاسی و فرهنگی باشد، یادآور روزهای پرشور و هیجانی است که از ترکیب دو عنصر موسیقی‌های شاد و حماسی داخل مدرسه و صحنه تظاهرات مردم در تلویزیون به وجود آمده است. انگار تأثیر عمیق موسیقی به همراه تصاویر حضور فعال ملت در کوچه و خیابان‌ها، از مردم آن زمان آدم‌هایی استوار و پرشور در ذهن ما ساخته که دیگر تکرارشدنی نیستند.

پدر و مادر هم که آن قدر برای ما انقلاب ندیده‌ها از شور و هیجان مردم در آن سال‌ها گفته‌اند که انگار مایه حس و حال‌ها از کشوری دیگر به اینجا آمده‌ام! حرف بی‌راهی نیست، از خاطرات پدر و مادرها و تصاویر ضبط شده آن دوران هم می‌شود این شور و هیجان را لمس کرد. اما تا به حال پرسیده‌ایم که خب، آن شور و حال کجاست؟ آن مردم فعال کجا رفتند؟ چرا مساجد این همه پیر مرد دارند؟ چه بر سر آمده که این روزها احساس می‌کنیم انگیزه تغییر و مشارکت اجتماعی نداریم؟

یکی از همین افراد پرشور و شور و سید حسین شوشتری، فعال فرهنگی منطقه راهنمایی است، که یکی از مهره‌های کلیدی مسجد الجواد(ع) در خیابان دانشگاه نیز بوده است. مسجد جواد که با تلاش‌های حاج آقا تدین، روحانی معروف مشهدی ساخته شد و امام جماعتش سال‌ها آیت‌ا... سیدان بود. مسجدی که بعد از مسجد کرامت، پاتوق اصلی انقلابیون مشهدی و فعالان فرهنگی و سیاسی بود. مسجدی که هسته اصلی و اولیه آن در سال ۵۳ شکل گرفت و در سال ۵۶ فعالیت جدی خود را آغاز کرد.

اما چه می‌شود که یک مسجد، فعال، تأثیرگذار و محور فعالیت‌های سیاسی اجتماعی در زمان خود می‌شود و از سراسر شهر نیروهای انقلابی جذب می‌کند؟

چرا امروزه شاهد چنین مساجدی در سطح شهر نیستیم؟ چه مؤلفه‌هایی یک مسجد را از رخت و سکون در می‌آورد و تبدیل به یک مرکز فعال و پرنشاط می‌کند؟

در همین خصوص گفت‌وگوی ما با سید حسین شوشتری، که مربی تعلیمات اسلامی و یکی از افراد تأثیرگذار مسجد الجواد(ع) در آن زمان بوده است، را می‌خوانید.